

هین ص

صوفات ۳۷ تا ۴۱

۱۰۰ تا ۱۰۲

مبانی فلسفه

تحت نظر نظام آموزش و پرورش و پرورش اپراد

مجموعه چکیده مقالات چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

دانشگاه فردوسی مشهد
۱ و ۲ خرداد ۱۳۹۲



بررسی مقایسه ای روشهای آموزش از دیدگاه فارابی و ابن سینا و کاربردهای آن در کلاس درس

دکتر محمد حسن میرزا محمدی^۱ فاطمه نصرت پور^۲

چکیده

مقایسه اندیشه های فلاسفه بزرگ و استخراج وجوه اشتراک و افتراق آن اندیشه ها، یکی از زمینه های ترویج افکار آنان و نیز بستر سازی مناسب به منظور بهره برداری از آرای آنان در زمان حاضر می باشد. فارابی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی از یک سو و ابن سینا به عنوان شاگرد وی و به اوج رساننده فلسفه مشایی از سوی دیگر دو فیلسوف شناخته شده اند. با توجه به این مراتب ابتدا اندیشه فلسفی (هستی شناسی، معرفت شناسی، ارزش شناسی) و سپس اندیشه تربیتی (جایگاه تعلیم و تربیت، برنامه درسی، روش تدریس) مورد بررسی قرار گرفته و سپس دیدگاههای آنان در هر یک از بخش های فوق مقایسه و وجوه اشتراک و افتراق آنها معرفی شده است و روشهای کاربرد آن در کلاس درس مطرح شده است.

واژگان کلیدی:

روشهای آموزش، فارابی، ابن سینا، مقایسه

^۱ نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد، آدرس: تهران، بزرگراه خلیج فارس، روبروی مرقد امام (ره)، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، تلفن ۰۹۱۲۲۳۷۸۸۹۲ ایمیل: mirzamohammadi@shahed.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه ی تعلیم و تربیت ۰۹۱۹۷۱۳۸۰۱۱ fnosratpoor@yahoo.com دانشگاه شاهد، تهران



میرزامحمدی، محمدحسن (۱۳۹۲). بررسی زمینه‌های فلسفی تطبیق و نقش آن در تحولات آموزش و پرورش. در چکیده مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران: مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش و پرورش ایران (صص: ۳۷-۴۱). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.



بررسی زمینه‌های فلسفی تطبیق و نقش آن در تحولات آموزش و پرورش

محمدحسن میرزامحمدی^۱

«تطبیق^۲»، یکی از فعالیت‌های تصمیم‌ساز و تاثیرگذار در نظام‌های تربیتی است. یکی از محوری‌ترین فعالیت‌هایی که در تطبیق انجام می‌شود، «اقتباس» است. در یک نظام آموزش و پرورش که تطبیق به صورت یک کار، نهادینه شده، انجام می‌شود، می‌توان انتظار پویایی و حرکت داشت. لکن، همین فعالیت پویا، اگر درست انجام نشود، منجر به شکست تحولات آموزش و پرورش خواهد شد. ظرافت‌های یک فعالیت تطبیقی را باید در زمینه‌های فلسفی آن جستجو نمود. این که ماهیت و معنای تطبیق چیست؟ اقتباس چه ماهیتی دارد؟ و تطبیق چه نقشی در تحول آموزش و پرورش دارد؟ مسائل مهمی است که زمینه‌های فلسفی آن در این مقاله مورد واکاوی قرار می‌گیرد. بر این اساس، در این مقاله در پی پاسخگویی به سوالات زیر هستم:

۱- تطبیق در فلسفه تعلیم و تربیت چه معنا و مفهومی دارد؟

۲- اقتباس به مثابه محور تطبیق در فلسفه تعلیم و تربیت چه معنا و مفهومی دارد؟

۳- زمینه‌های فلسفی تطبیق چه نقشی در تحول آموزش و پرورش دارد؟

تحول، مفهومی است که مضمن تغییرات مثبت و رو به جلو است. هر گاه، از تحول در نظام آموزش و پرورش صحبت به میان می‌آید، می‌توان انتظار داشت که اتفاقات مثبتی در آن نظام صورت گیرد. وزارت آموزش و پرورش در کشور ما، از زمان شکل‌گیری به معنای امروزی، تغییرات و تحولات زیادی را تجربه کرده است. اولین تحول جدی در آموزش و پرورش را بایستی تاسیس دارالفنون دانست که موجبات تغییرات گسترده بعدی نیز شده است. در سال‌های اخیر، اسناد تحولی سنگین، مهم، و تاریخ‌سازی در آموزش و پرورش طراحی و مصوب شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به؛ کلیات طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش ایران، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، و طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش

^۱- دانشیار دانشگاه شاهد mirzamohammadi@shahed.ac.ir

^۲- Comparison



میرزامحمدی، محمدحسن؛ نصرت‌پور، فاطمه و نصرت‌پور، شیرین (۱۳۹۲). بررسی تحول برنامه درسی آموزش ابتدایی با نگرشی بر آموزش فلسفه به کودکان. در چکیده مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران: مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش و پرورش ایران (صص: ۱۰۰-۱۰۴). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.



بررسی تحول برنامه درسی آموزش ابتدایی با نگرشی بر آموزش فلسفه به کودکان

محمدحسن میرزامحمدی^۱؛ فاطمه نصرت‌پور^۲ و شیرین نصرت‌پور^۳

نیاز به فلسفه از اصلی‌ترین نیازهای روحی انسان، یعنی نیاز به دانستن و فهمیدن برخاسته است. نیاز به دانستن، یک نیاز همیشگی است. چنان که می‌بینیم کودکان همواره می‌خواهند چگونگی و چیستی همه چیز را بفهمند. به همین علت ارسطو گفته است: فلسفه با شگفتی و حیرت در برابر جهان آغاز شد (محمدی، ۱۳۸۶). بسیاری از مدارس به صورت سنتی به جای اینکه بر روی مهارت‌های فکری و استدلالی تکیه کنند، بر روی استفاده از اطلاعات، تمرکز دارند. در واقع، این مدارس با تأکید بر حافظه به عنوان منبع کسب دانش، جایگاه مهم مهارت‌های فکری را نادیده می‌انگارد. این در حالی است که مهمترین هدف آموزش و پرورش نوین، ایجاد تغییرات شناختی، عاطفی و رفتاری نسبتاً پایدار در زندگی شاگردان است تا آنها بتوانند از نهایت استعداد و توانایی خود در زندگی بهره بگیرند (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۹). متأسفانه، در بسیاری از نظام‌های آموزشی به دلیل توسعه سریع مدارس، و به کارگیری نیروهای اجرایی غیرمتخصص، عاداتی نامطلوب، بر فرایند تدریس حاکم شده است، مخصوصاً آن دسته از عادت‌های غلطی که جانشین همفکری، مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس شده‌اند و هرگونه آزادی اندیشه و نوآوری را از آنان گرفته‌اند و به جای استفاده از روش‌های جدید تدریس، بر اجرای روش‌های سنتی پافشاری می‌کنند (شعبانی، ۱۳۸۶). در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان، الگویی جدید به عنوان بدیلی برای تعلیم و تربیت پیشنهاد شده است. به عبارت دیگر، این برنامه جایگزین بهتری برای الگوی قدیم آموزش و پرورش دانسته شده است (ناجی، ۱۳۸۷: ۶۰). تحقیقات بسیاری در زمینه آموزش فلسفه به کودکان انجام شده

^۱ - نویسنده مسئول؛ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد mirzamohamunadi@shahed.ac.ir

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه ی تعلیم و تربیت fnosratpoor@yahoo.com

^۳ - کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی nosratpoor_sh@yahoo.com